

تأثیر پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حسین علایی^۱

چکیده

جغرافیای سیاسی کشورهای پیرامون ایران، همیشه تأثیر مهمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، داشته‌اند. در طول دوره‌های مختلف، بسیاری از ائتلاف‌ها و پیمان‌های نظامی در فضاهای جغرافیایی اطراف ایران، شکل گرفته است. اهمیت ایران از نظر ژئوپلتیک، موجب شده تا هر نوع پیمان نظامی - امنیتی بر روابط ایران با سایر کشورها تأثیرگذار باشد. یکی از پیمان‌های مهم جهانی که در محیط جغرافیایی پیرامونی ایران ظرف ۶۰ سال گذشته شکل گرفته است، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می باشد. انتظار می‌رفت که با انحلال پیمان ورشو، سازمان ناتو نیز رو به ضعف نهاده و در نهایت کنار گذاشته شود. ولی با تلاش‌های ایالات متحده، نه تنها چنین اتفاقی نیفتاد، بلکه حوزه مأموریت‌های ناتو و دامنه نفوذ آن گسترش یافته است.

تغییر در مأموریت‌های گذشته ناتو و ایجاد وسعت سرزمینی و جغرافیایی برای ایفای نقش بیشتر پیمان آتلانتیک شمالی، پاسخ دولت آمریکا برای حفظ ناتو در مسیر برنامه‌های آتی ایالات متحده در سطح جهان بخصوص منطقه قفقاز و آسیای جنوب شرقی بوده است. می‌توان اهداف ناتو را در شرایط کنونی در مقولاتی نظیر تضعیف قدرت روسیه و از میان بردن زمینه‌های بازسازی اقتدار گذشته آن، تثبیت هژمونی و برتری آمریکا در حوزه نفوذ روسیه و همچنین تسلط بر منابع انرژی جستجو نمود. بر این اساس چهار حوزه جدید به عنوان وظایف ناتو از سوی اروپا و آمریکا در حال پی‌گیری است:

1. عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

اهداف جدید ناتو برای گسترش به سمت جغرافیای سیاسی مناطق شرق و جنوب، واکنش دولت‌های دیگر نظیر روسیه، چین و ایران را برانگیخته است. حضور گسترده ناتو در فضای جغرافیایی کشورهایمانند افغانستان و نیز شروع برخی مذاکرات همکاری میان ناتو و کشورهای جنوب خلیج فارس در اوایل سال ۱۳۸۷، واقعیتی مسلم و انکار ناپذیر می‌باشد. این وضعیت می‌تواند سناریوهای مختلفی را در حوزه امنیتی جغرافیای پیرامون ایران رقم بزند که قدر مسلم آن "خطر و تهدید بودن" حضور ناتو برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران می‌بایستی نسبت به مقاصد جدید این پیمان نظامی به اندازه کافی حساس بوده و طرح‌ها و برنامه‌های آن را زیر نظر داشته باشد.

در این مقاله سعی می‌شود تا ضمن بررسی روند تشکیل ناتو، تأثیر توسعه و گسترش آن به حوزه‌های جغرافیایی پیرامون مرزهای ایران و نیز اثرات آن بر امنیت ملی کشور، بررسی و ارزیابی گردد.

کلید واژگان: اتحادیه اروپا، امنیت ملی، آتلانتیک شمال (ناتو)، جمهوری اسلامی



مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، خطر توسعه طلبی شوروی، جایگزین خطر آلمان نازی برای اروپا شد. ایجاد سازمان ناتو در فضای جغرافیایی اروپای غربی، پاسخ دفاعی غرب در برابر این وضعیت بود. امسال اجلاس سران ۲۸ کشور عضو ناتو در روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین ماه ۱۳۸۸ (۴ و ۵ آوریل ۲۰۰۹) در شهر استراسبورگ فرانسه همزمان با شصتمین سالگرد این پیمان به منظور "تعیین دبیرکل جدید ناتو"، "طرح عضویت دائم فرانسه در ناتو"، "بررسی روابط کشورهای عضو ناتو با روسیه" و نیز "ارزیابی آخرین وضعیت حضور ۵۶ هزار نیروی عضو پیمان ناتو در افغانستان" و همچنین "بررسی موضوع جنگ افغانستان" و نیز "ارزیابی چشم‌انداز آینده سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)" تشکیل گردید. در این اجلاس نخست وزیر سابق کشور دانمارک، آقای اندرسن فاگ راسموس که سابقه توهین به پیامبر اسلام (ص) را در پرونده خود دارد به عنوان دبیرکل جدید سازمان ناتو انتخاب گردید. او از سوی کشورهای امریکا، انگلیس و فرانسه برای این سمت معرفی شد. این اقدام به عنوان رفتاری علیه مسلمانان و جهان اسلام تلقی شده است. نخست وزیر سابق دانمارک جزئی از ائتلاف بوش و بلر بود که با اشغال عراق، باعث ناراحتی و روگردانی مسلمانان از غرب شدند.

از سالها قبل برخی از کشورهای همسایه ایران مثل ترکیه، عضو پیمان ناتو بوده‌اند ولی پس از تغییراتی که در جغرافیای سیاسی مناطق پیرامون ایران، با حادثه ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) رخ داد، سازمان ناتو با توسعه جغرافیای منطقه مأموریت خود، محدوده فعالیت‌های خود را تا حیطه مرزی ایران نیز، گسترش داده است. بنابراین با توجه به اهمیت حضور سازمان ناتو در فضای جغرافیایی کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران و توسعه محدوده آن از لحاظ جغرافیای سیاسی و گسترش آن به شرق و تأثیری که این موضوع بر توسعه ژئوپولیتیک ناتو دارد، در این جا به طور مختصر به مطالعه وضعیت ناتو از ابتدای تشکیل تا کنون و نیز چشم‌انداز آینده و همچنین تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، پرداخته می‌شود.

طرح مسئله

مطالعه تحولات سیاسی در سطح جهانی و منطقه ای از دیدگاه جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، اهمیت بسیاری دارد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و انحلال پیمان ورشو، تصور می‌شد که پیمان ناتو که به عنوان یک اتحادیه اروپایی برای مقابله با نفوذ شوروی و گسترش جغرافیایی بلوک شرق تشکیل شده بود، نیز منحل گردد. ولی عملاً اینگونه نشد البته از آن زمان به بعد

مأموریت ناتو که دفاع از جغرافیای اروپای غربی در برابر تهدید شوروی و پیمان ورشو بوده است تغییر کرده و پس از سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ و پایان جنگ سرد، از شکل یک نهاد دفاعی- نظامی به یک سازمان امنیتی - سیاسی که همچنان مأموریت‌های نظامی را انجام می‌دهد، تبدیل شده است.

فروپاشی شوروی، موجب تشکیل کشور آلمان واحد و ایجاد جغرافیای سیاسی اروپای یکپارچه و همچنین باعث تغییرات ساختاری در پیمان ناتو گردید. گرچه ناتو در شرایط کنونی، همچنان در دوران بحرانی خود به سر می‌برد و در شرایط انتقالی قرار دارد، ولی به هر حال علی‌رغم انتظار جامعه جهانی، حوزه مأموریت‌های ناتو در حوزه‌های جغرافیایی جدید و در خارج از مرزهای جغرافیایی اروپا، توسعه و گسترش یافته است.

هدف اصلی ناتو، پاسخ به خلأ امنیتی ناشی از فروپاشی شوروی و تلاش برای ایجاد ساختارهای حکومتی در فضای جغرافیایی کشورهای سابق کمونیستی و اصلاحات اقتصادی در آنها، بوده است. ولی در حال حاضر، ناتو به عنوان ابزاری مؤثر برای تغییر شکل جغرافیای سیاسی جهان و در حال ایفای مأموریت‌های جهانی می‌باشد. توسعه حضور ناتو در کشورهای پیرامون جغرافیای ایران، نیاز به مطالعه و بررسی اهداف ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران را افزایش می‌دهد. خلأ قدرت روسیه در جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی، موجب شده است تا ناتو به نزدیکی‌های مرزهای ایران از سمت شمال و حضور در پیرامون مرزهای شرقی ایران، توسعه یابد.

همزمان با حضور نیروهای نظامی آمریکا در فضای جغرافیای آسیای مرکزی، اهمیت ناتو نیز افزایش یافته است. بنابراین کشورهایی مانند ایران، همواره نسبت به تهدیدات احتمالی ناتو و نیز پیوند آن با برنامه‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه، حساس بوده و به طور مرتب به ارزیابی آخرین وضعیت این سازمان، و نسبت خود با آن می‌پردازند.

بر این اساس، مطالعه روند شکل‌گیری ناتو و تأثیر مأموریت‌های فعلی آن بر محیط امنیتی ایران، حائز اهمیت بسیاری است. این مطالعه می‌تواند روابط همکاری و یا رقابتی میان ایران و این سازمان را بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار هر یک از طرفین می‌گذارد و یا امکاناتی که هر یک از طرفین در رقابت با دیگری می‌توانند از محیط جغرافیایی دریافت نمایند، را مشخص سازد.

زمینه‌های پیدایش و روند شکل‌گیری ناتو

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی موسوم به ناتو در ۴ آوریل سال ۱۹۴۹ میلادی از سوی آمریکا و متحدان اروپاییش به منظور حفظ امنیت اروپای

غربی که به دلیل گسترش و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در اروپای شرقی و اروپای مرکزی مورد تهدید قرار گرفته بود، به وجود آمد تا بتواند با نفوذ روز افزون اتحاد جماهیر شوروی و جریان مارکسیستی، مقابله نماید. در این زمان امریکا اعتقاد داشت که رویارویی با اتحاد جماهیر شوروی با هدف دفاع از نظام دموکراسی و نیز اقتصاد آزاد ضرورت دارد. بر همین اساس با تدوین دکترین ترومن و طرح مارشال، امریکا تعهد نا محدود خود را جهت ارائه کمک‌های اقتصادی و فنی به دولت‌های خارج از اردوگاه کمونیسم اعلام نمود. با این شیوه، امریکا موفق شد تا کشورهای اروپای غربی را به سمت خود جذب نموده و آنها را از افتادن به اردوگاه شوروی باز دارد. از دید امریکا، پس از جنگ دوم جهانی، خطر توسعه طلبی شوروی، جای خطر آلمان نازی را برای اروپای غربی، گرفته بود. بدین منظور یک مجموعه دفاعی- نظامی تحت عنوان ناتو سازماندهی گردید.

این سازمان در آغاز کار، با ۱۲ عضو، فعالیت خود را آغاز کرد، ولی در حال حاضر با احتساب عضویت دائم کشورهای آلبانی و کرواسی، صاحب ۳۰ عضو است. روزگاری تصور می‌شد که عمر این سازمان به ۲۰ سال هم نرسد ولی صف طولانی متقاضیان پیوستن به ناتو، تاریخچه ای موفق از این سازمان را برای دولت‌های غربی به تصویر می‌کشد. در سالهای اوج نبرد فکری ناتو با پیمان ورشو، این سازمان حتی یک گلوله هم شلیک نکرد و در یک شرایط دفاعی کامل به سر می‌برد. اما امروزه ناتو در بسیاری از عملیات‌های نظامی کاملاً متفاوت، وارد عمل می‌شود. این سازمان جنگی سخت در هندوکش را دنبال کرده و امنیت کشور تازه استقلال یافته کوزووا را تأمین می‌نماید. به عملیاتی‌هایی در فضاهای جغرافیایی جدیدی مانند دریای مدیترانه و یا در شاخ آفریقا می‌پردازد. به نظر می‌رسد که این سازمان در پی ایفای نقش "پلیس جهانی" می‌باشد. بر همین اساس این سؤال مطرح می‌شود که مرزهای ناتو از لحاظ جغرافیایی و از لحاظ برنامه‌ای تا کجاست؟

ناتو هم اکنون دارای ۵۲۰۰ کارمند غیر نظامی و ۳۲۰ کمیته می‌باشد که مسئولیت اداره ۶۰۰۰۰ نیروی نظامی این سازمان در سراسر جهان را بر عهده دارند. در حال حاضر ناتو به دنبال آن است تا مأموریت‌های خود را به عنوان "ابزاری برای صلح" توجیه نماید.

ناتو پس از پایان جنگ سرد، به شدت در تلاش بوده است تا کشورهای سابق عضو پیمان ورشو را به عضویت خود در آورد. با این طرح ناتو در صدد است تا پیوند ژئوپلیتیکی روسیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز را قطع نماید.

انگیزه اولیه کشورهایمانند گرجستان، اوکراین، آذربایجان و... در پیوستن به ناتو، فاصله گرفتن از روسیه است. امریکا نیز از گرایش‌های ناسیونالیستی اقوام و گروه‌های نژادی در جمهوری‌های سابق شوروی، استفاده ابزاری نموده و با بهره برداری از احساسات ناسیونالیستی در کشورهای

اوکراین و گرجستان که لایه‌هایی از ضدیت تاریخی با روسیه در آنها قابل مشاهده است، تلاش می‌نماید تا در فرآیند مهار روسیه که پس از دوره رخوت بعد از فروپاشی شوروی در حال سر برآوردن است، این دو کشور را به عضویت ناتو در آورد.

جمهوری‌های سابق شوروی، استقلال خود را در دور شدن از انحصار اقتصادی و سیطره سیاسی روسیه می‌دانند تا بتوانند توسعه یافته و بقای اقتصادی پیدا کنند و در نتیجه راه تنفس جدیدی بیابند و از نظر سیاسی هم، ساختار امنیتی و بوروکراتیک و سیاسی روسیه را بهم بزنند. آنها به دنبال چتر امنیتی جدیدی در غرب هستند که آن هم آمریکا و اروپا یعنی ناتو است.

ناتو و ایران

ناتو در حال حاضر در پیرامون مرزهای جمهوری اسلامی ایران، عملاً حضور دارد. هم جواری ایران با ناتو از طریق فضای جغرافیایی ترکیه و در قالب پیمان سنتو، بیش از نیم قرن، سابقه دارد. از سالها قبل با عضویت ترکیه در ناتو، توجه ایران به این سازمان جلب شده است. با حضور ناتو در افغانستان و استفاده از خطوط مواصلاتی پاکستان، جهت تدارک نیروهای خود، عملاً نیروهای نظامی پیمان آتلانتیک شمالی در حوالی مرزهای شرقی ایران، توسعه یافته‌اند. مذاکرات ناتو با کشور آذربایجان و تلاش این سازمان برای ایجاد حضور فرهنگی و نظامی در منطقه خلیج فارس در جنوب ایران، هم علائمی از اقدامات جدید ناتو می‌باشد که بر محیط امنیت ملی ایران تأثیر گذار است.

طبیعی است که با حضور ناتو در فضای جغرافیایی اطراف ایران، سیاست‌های منطقه ای و بین المللی پیمان ناتو در تصمیم گیری‌های دفاعی جمهوری اسلامی، اهمیت ویژه ای یافته است.

پیمان‌های نظامی و نسبت دولت‌های مختلف با این پیمان‌ها، همواره یکی از مهمترین و راهبردی ترین موضوعات در تحلیل امنیت ملی هر کشور، محسوب می‌شوند. توسعه حیطه‌ی جغرافیایی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از نگاه بسیاری از کارشناسان، نه تنها دربردارنده ثبات و امنیت برای ایران نخواهد بود، بلکه احتمالاً منابع ناامنی را در محیط امنیتی ایران تشدید می‌کند.

گسترش حضور و نفوذ روزافزون ناتو در منطقه ژئوپلتیک آسیای مرکزی، قفقاز و مناطق دیگر پیرامون جمهوری اسلامی ایران از جمله افغانستان، طرح تقاضای پیوستن به ناتو از سوی برخی از کشورهای منطقه و کشورهای همجوار ایران و هم‌چنین طرح جدید این سازمان که با جدیت تمام روابط دوجانبه و چند جانبه‌ای را با کشورهای حاشیه خلیج فارس پی‌گیری می‌کند، از جمله نشانه‌های روشن روند پرشتاب نفوذ ناتو در جغرافیای سیاسی پیرامون ایران است.

تغییر نگاه تدافعی سازمان ناتو به چالش‌ها و مسائل بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های تهاجمی نسبت به مسائل امنیتی، می‌تواند زمینه ساز حضور نظامی و سیاسی بیشتر ناتو در فضاهاى ژئوپلیتیک اطراف ایران باشد.

به هر حال وجود ناتو یک واقعیت انکار ناپذیر در جغرافیای سیاسی کشورهای همسایه ایران است. به حضور ناتو در نزدیکی مرزهای ایران می‌توان با دو زاویه نگاه کرد:

الف - نگاه تهدید محور

با توجه به برنامه‌های ناتو جهت توسعه به شرق و نزدیک شدن به محیط جغرافیایی اطراف ایران و پیوند این سازمان با برنامه‌های نظامی آمریکا در جهت مداخله در منطقه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و خاورمیانه، ناتو را می‌توان یک تهدید جدی برای ایران محسوب نمود. اگر آنچنان که باید و شاید به واقعیت‌های پیرامونی کشور توجه نشود، ممکن است چالش‌های موجود در جغرافیای سیاسی کشورهای پیرامون ایران، موجب افزایش حضور نظامی ناتو در محیط امنیتی ایران گردد.

استفاده آمریکا از نیروهای نظامی ناتو برای جبران کمبود قوای نظامی خود با توجه به گسترش بیش از حد ارتش آمریکا در خاورمیانه، می‌تواند ناتو را به عنوان بخشی از قوای نظامی آمریکا در صحنه جغرافیایی خاورمیانه پدیدار نماید. بنابراین گسترش حیطه عمل جغرافیایی ناتو می‌تواند تهدید مهمی برای کشورهای مستقل خاورمیانه از جمله ایران، تلقی گردد.

حضور گسترده نیروهای آمریکا و ناتو در افغانستان و عملیات روزانه آنها در این کشور، فضای نا امنی را در محیط جغرافیایی شرقی ایران پدید آورده است. پس از هفت سال از اشغال افغانستان، نه تنها امنیت به این کشور باز نگشته بلکه نا امنی‌ها بخش وسیعی از جغرافیای پشتون نشین پاکستان را نیز در بر گرفته است. عدم توانایی ناتو و آمریکا جهت افزایش بیش از حد نیروهای نظامی و نیز نا آشنایی آنها با فرهنگ مردم افغانستان، موجب شده تا هم اکنون حدود ۵۰ درصد از فضای جغرافیایی افغانستان تحت نفوذ طالبان قرار گیرد.

شرایط موجود در افغانستان به گونه ای است که باید نوعی نگاه به آینده برای چگونگی شکل گیری سرنوشت این کشور مد نظر کشورهای همسایه قرار گیرد. معلوم نیست عاقبت اقدامات ناتو در افغانستان چه می‌شود. اگر ناتو در عملیات نظامی خود، شکست بخورد و گروه طالبان و القاعده در آنجا تجدید سازمان نمایند و مجدداً به قدرت برسند، این اتفاق، یک تهدید امنیت ملی برای ایران است. اگر آمریکا و ناتو کاملاً در افغانستان تمام ارکان این کشور را به دست گیرند، این نیز بر خلاف منافع ملی ایران است. اگر شرایط کنونی، یعنی منازعه و درگیری همچنان ادامه پیدا

کند، باز هم بی ثباتی افزایش یافته و عدم امنیت ناشی از آن در افغانستان، به زیان ایران است. اگر ناتو با طالبان به سازش و تفاهم برسند و ناتو اجازه بدهد که طالبان مجدداً به سهمی از قدرت در ارکان حکومتی افغانستان دست یابند، این هم به زیان منافع و امنیت ملی ایران است. بنابراین در گزینه‌ها و سناریوهای مختلف، ایران مسائل امنیتی پیچیده و بغرنجی دارد. اینجا است که باید نسبت به حضور ناتو در مناطق جغرافیایی پیرامونی ایران به عنوان یک واقعیت، حساس بوده و تهدیدهای احتمالی ناشی از آن را به صورت عینی و ملموس تر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و رهیافت‌های لازم برای مقابله با آن تهدیدها را بررسی و ارزیابی نمود.

ب - نگاه فرصت محور

از سوی دیگر، نزدیکی ناتو به مرزهای ایران می‌تواند برای جمهوری اسلامی به عنوان یک فرصت تلقی شود. هم اکنون نا امنی‌های گسترده در فضای جغرافیایی پاکستان، موجب شده است که راه‌های تدارکاتی نیروهای ناتو در افغانستان بسته شده و کشورهای عضو این پیمان به شدت به استفاده از مسیر ایران برای حفظ نیروهای خود در فضای نابسامان افغانستان، محتاج شوند. روسیه هم اکنون در تلاش است تا به این نیاز نیروهای ناتو پاسخ مثبت داده و یک خط هوایی تدارکاتی را از طریق فضای جغرافیایی خود برای سازمان آتلانتیک شمالی فراهم آورد. سال گذشته روسیه به منظور افزایش قدرت سیاسی خود در برابر امریکا، قرقیزستان را وادار کرد تا پایگاه هوایی مناسب واگذار شده از سوی آن کشور به امریکا را بسته و خود نیاز نیروهای ناتو را تأمین نماید.

در واقع محیط ژئوپلیتیکی ایران، قدرت قابل توجهی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده است که اگر از آن استفاده نماید می‌تواند شرایط خود را بر ناتو و امریکا، تحمیل نماید. با این نگاه، توسعه بیش از حد نیروهای ناتو در محیط جغرافیایی اطراف ایران، فرصت مناسبی را برای کشور فراهم آورده است که می‌توان بدین وسیله کشورهای عضو ناتو را نیازمند به ایران، نگاه داشت.

از سوی دیگر چنانچه، ایران بتواند کشورهای عضو ناتو را متقاعد نماید که جمهوری اسلامی نقش سازنده‌ای را در تحولات منطقه ای ایفا می‌نماید می‌توان ناتو را به این باور رسانید که حل بحران‌های منطقه ای بدون کمک ایران، ممکن نیست. برای مثال در زمینه مبارزه با کشت و تولید مواد مخدر، آموزش نیروها جهت مبارزه با قاچاق مواد مخدر و همچنین مبارزه با تروریسم، ناتو می‌تواند با ایران تعامل داشته و به ایجاد ثبات و امنیت منطقه در فضای جغرافیایی پیرامون ایران، کمک نماید. ناتو باید درک کند که نادیده گرفتن ایران در حل مسائل و مشکلات منطقه‌ای

به ضرر ثبات و امنیت خاورمیانه است. به همین خاطر شاید در حوزه جغرافیای سیاسی بعضی از مناطق، ضروری باشد که بین ایران و سازمان ناتو گفت و گو صورت گیرد. همچنین می‌توان درباره برخی از فضاهای مناقشه خیز، مانند افغانستان، نوعی تعامل به منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات و رفتار ناتو صورت گیرد.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با پدیده جدیدی به نام ناتو در محیط جغرافیایی اطراف خود، ارتباط برقرار کرده و با آن تعامل کند تا بتواند بر نتایج اقدامات آن اثرگذار بوده و تهدید آن را از خود دور کند. در حال حاضر، اعضای ناتو بر کنترل روسیه، ایران و چین، تفاهم و تا حدود زیادی اتفاق نظر دارند. مخالفت صریح روسیه با سیاست ناتو جهت گسترش به شرق، موجب شده تا روشی برای کاهش نگرانی‌های طرفین از یکدیگر ابداع گردد. بر این اساس شورای دائمی ناتو - روسیه به عنوان الگوی مناسبی برای همکاری و رفع اختلافات و بحران‌های فی ما بین، تشکیل شده است. این الگو می‌تواند مورد استفاده ایران نیز قرار گیرد زیرا به همان اندازه که ایران و ناتو دارای تضادها و اختلافات اساسی می‌باشند می‌توانند دارای "منافع مشترک موردی" در بعضی از محیط‌های جغرافیایی نظیر افغانستان هم باشند. لازم به ذکر است که همکاری با کشوری مثل ایران که از اهمیت ویژه‌ای در معادلات ژئوپلیتیک منطقه برخوردار است، برای ناتو نیز اهمیت فراوانی دارد.

بنابراین رسیدن ناتو به حوالی مرزهای ایران، علاوه بر آن که می‌تواند یک تهدید باشد به عنوان یک فرصت نیز تلقی می‌گردد. همچنان که حضور نظامی آمریکا در عراق، موجب فرصت مهمی برای ایران شد زیرا آمریکا بدون پیش شرط، از ایران درخواست مذاکره بر روی مسائل مربوط به امنیت و ثبات عراق را نموده است و تا کنون نیز چند دور مذاکره بین دو کشور در بغداد صورت گرفته است.

بنابراین می‌توان گفت، تهدید یا فرصت بودن ناتو برای ایران، به نحوه عملکرد جمهوری اسلامی در برخورد با سیاستهای این سازمان و نیز آینده راهبردهای ناتو در منطقه ژئوپلیتیک قفقاز و آسیای میانه بستگی دارد. از این رو نحوه تعامل با پیامدهای حضور ناتو در فضاهای جغرافیایی پیرامون ایران، در شکل و نوع رابطه طرفین مؤثر خواهد بود. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های برون رفت از حضور ناتو در اطراف مرزهای ایران، ایجاد ترتیبات دفاعی - امنیتی منطقه‌ای مشترک در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس و دریای مازندران می‌باشد. با این طرح، ایران باید تلاش نماید تا امنیت کشورهای منطقه را به جمهوری اسلامی گره زده و فضای ژئوپلیتیک ایران را در تأمین نیازهای این کشورها و توسعه امنیت جمعی به کار گیرد.

نتیجه گیری

تحولات ژئوپلیتیکی که بر اساس توسعه ناتو در حوزه جغرافیایی آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آمده است، ارتباط زیادی با شرایط ایران در وضعیت فعلی دارد. با فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی در جهان، بسیاری بر این تصور بودند که می‌توان نظام چند قطبی را جایگزین "توازن وحشت" در دوره جنگ سرد نمود. ولی خیلی زود مشخص شد که گرچه یکی از دشمنان امنیت و صلح جهانی از بین رفته است ولی همچنان دنیا درگیر "رقابت قدرت" از نوع دیگری است. فروپاشی نظام دو قطبی موجب تغییر جغرافیای سیاسی در آسیا، قفقاز و اروپای شرقی گردید. در این میان برخی از پیمان‌های دفاعی نظیر پیمان ورشو از صفحه روزگار محو گردید ولی بعضی دیگر، مانند پیمان ناتو به حیات خود ادامه داده و اهمیت بیشتری یافتند. اتحادیه اروپا که در دوران گذار از نظام دو قطبی به نظام جدید در وضعیت استثنائی قرار گرفته و به آسانی می‌توانست در مقام یک ابر قدرت جدید و مستقل نسب به ایالات متحده، نقش آفرینی کرده و از این راه از بروز نظام تک قطبی در جهان جلوگیری نماید، تحت تأثیر دیدگاه‌های دولت انگلیس که همیشه "استراتژی مناسبات ویژه با آمریکا" را بر همکاری‌های همه جانبه با اروپا ترجیح داده است، تصمیم گرفت تا از ژئوپلیتیک نظام نوین جهانی، پیروی کند. بنابراین اتحادیه اروپا و سازمان ناتو به عنوان کارگذار ژئوپلیتیک آمریکا در مسائل جهانی، نقش‌هایی را بر عهده گرفته‌اند. این امر سبب شد تا ناتو به سوی افزودن بر تعداد اعضای خود حرکت کند و عضویت تقریباً تمام اقمار پیشین شوروی را در دستور کار خود قرار دهد.

در حال حاضر آمریکا خواهان اصلاحات اساسی در سازمان ناتو می‌باشد. راهبرد تعریف شده فعلی برای ناتو به دوران جنگ سرد و سال ۱۹۹۹ برمی‌گردد. آمریکا معتقد است که این سازمان دفاعی بایستی در آینده، بیشتر به عنوان عاملی جهت "پیشگیری از بروز بحران و جنگ"، نقش خود را ایفا نماید.

در سالهای گذشته رویکرد غلط و عملیات گسترده نظامی آمریکا در خاورمیانه، موجب ظهور تروریسم در برخی از کشورهای اروپایی شد. در حال حاضر وابستگی امنیتی اروپا و آمریکا همچنان پا برجاست. تلاش بر این است تا ساختار جدید ناتو، تبلور اراده خواسته غرب برای مقابله با تهدیدات جدید علیه آمریکا باشد.

تحولات ناتو در چند سال اخیر حاکی از آن است این پیمان فرا آتلانتیک از یک سازمان دفاعی غیر قابل انعطاف به یک اتحاد امنیتی چند وجهی، تحول یافته است. این سازمان، "جغرافیا محوری" و دفاع از اروپا را رها کرده و به گسترش حوزه جغرافیایی خود پرداخته و رویکردی "جهان محور" را برای خود برگزیده است. ناتو علاوه بر گسترش به سوی شرق، درحال تجربه

نمودن توسعه به سمت جنوب نیز می‌باشد. ناتو در حال افزایش فعالیت‌های خود بوده و تلاش می‌نماید تا با تغییر در وظایف خود از "قدرت نرم" نیز در کنار "قدرت سخت" بهره جوید. توسعه ناتو با منافع منطقه‌ای برخی از کشورها مانند ایران و روسیه در تضاد است ولی به هر حال موجب توسعه امنیت جهان غرب خواهد شد. ناتو در برخی از مأموریت‌های جدید خود مانند بحران گرجستان و روسیه، نتوانست سربلند بیرون بیاید. در سالهای اخیر برخی از جمهوری‌های سابق شوروی، سعی می‌کردند تا با تکیه بر ناتو در مقابل روسیه بایستند ولی بحران اخیر در منطقه ژئوپلیتیک قفقاز و دریای سیاه، نشان داد که ناتو در مقابل بروز چنین بحران‌هایی دارای محدودیت‌های فراوانی است. ناتو و اتحادیه اروپا نتوانستند در برابر اعلام استقلال دو جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی از خود واکنش مناسبی بروز دهند. این امر نه تنها به جسارت بیشتر روسیه در حفظ و گسترش منافع ملی خود منجر شد بلکه کشورهایی که رؤیای حمایت ناتو در رویارویی احتمالی با روسیه را در سر می‌پروراندند، وادار به تفکر دوباره در خصوص تکیه بیش از حد به ناتو کرد.

تداوم بحران در افغانستان موجب توسعه نیروهای نظامی ناتو در آن کشور و افزایش سقف آنها به بیش از ۵۰ هزار نفر گردد. یکی از اهداف پنهان ورود ناتو به فضای جغرافیایی نزدیک مرزهای شرقی ایران را می‌توان تلاش برای کنترل و مهار ایران و تحت تأثیر قرار دادن محیط امنیتی ایران دانست.

از سوی دیگر وضعیت رقت بار نیروهای ناتو در افغانستان و تلفات زیاد نیروهای انگلیسی و ایتالیایی در تابستان ۱۳۸۸ در آن کشور، علامت ضعف نظامی ناتو در حل مشکلات فرا جغرافیایی است. به نظر می‌رسد که ناتو در عین توسعه فضای جغرافیایی منطقه مأموریت خود، دچار چالش‌های اساسی نیز می‌باشد که آینده این سازمان را تحت تأثیر جدی قرار خواهد داد.

یکی از اهداف دیگر راهبردی ناتو، کنترل منابع انرژی است. جایگاه مهم منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، دریای خزر و آسیای مرکزی و ذخایر عظیم نفت و گاز این مناطق باعث شده است که قدرت‌های جهانی به ویژه آمریکا و اروپا برای حفظ ثبات و امنیت خطوط انتقال انرژی به فکر استفاده از قدرت ناتو بیافتند. جغرافیای ایران از جمله سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و ساحل گسترده در دریای مازندران و همچنین وجود منابع اقتصادی در این دو دریا، سبب افزایش نقش آفرینی ایران در منطقه شده است. پس می‌توان یکی از اهداف عمده گسترش ناتو را، کاهش نفوذ ایران در فضای ژئوپلیتیک قفقاز، آسیای مرکزی و تا حدی خلیج فارس دانست.

از سوی دیگر ناتو با استقرار در افغانستان، تلاش خواهد کرد تا ارتباطات بازرگانی کشورهای آسیای مرکزی با شبه قاره هند که عمدتاً می‌توانست از طریق فضای جغرافیایی ایران صورت

گیرد، از طریق خاک افغانستان بر قرار شود و اهداف منطقه‌ای ایران، مبنی بر ایجاد ارتباطات تجاری در شمال - جنوب ناکام مانده و خنثی شود.

به هر حال نمی‌توان وجود ناتو را در اطراف مرزهای ایران نادیده گرفت و نمی‌توان صرف وجود ناتو در همسایگی ایران را به طور مطلق به ضرر جمهوری اسلامی دانست. ناتو را نمی‌توان معادل امریکا، محسوب نمود ولی زمانی که این سازمان با مأموریت‌های امریکا علیه ایران پیوند پیدا کند، برای ایران خطر ساز می‌شود. بنابراین در برخورد با ناتو می‌توان به روابط حداقلی به منظور کنترل این سازمان اندیشید.



منابع

- (۱) سیف زاده، حسین، نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل، تهران، قومس ۱۳۷۴
- (۲) کولایی، الهه، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۶
- (۳) دارمی، سلیمه، ناتو در قرن ۲۱، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، سال ۱۳۸۶
- (۴) امیریان، بهادر، آمریکا و ناتو، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، سال ۱۳۸۶
- (۵) ولی الهی، حبیب الله و احمد جعفری، ریشه‌های بحران گوزوو و دخالت نظامی ناتو، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، سال ۱۳۸۰
- (۶) زهرانی، مصطفی، ۱۱ سپتامبر، جهانی شدن و برتری طلبی آمریکا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، سال ۱۳۸۴
- (۷) خلیل زاد، زلمای، استراتژی برای قرن ۲۱، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی‌ها، تهران، نشر آمن، سال ۱۳۷۹
- (۸) کولایی، الهه، اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۸۰
- (۹) رحمانی، منصور، ناتو پس از جنگ سرد، فصلنامه سیاست خارجی، تهران، بهار و تابستان سال ۱۳۷۹
- (۱۰) فرسای، شهرام، ناتو و استراتژی گسترش به شرق، تهران، ماهنامه نگاه، شماره ۱۷
- (۱۱) هادیان، حمید، ناتو و محیط امنیتی ایران، مرکز بررسی‌های استراتژیک، تهران، سال ۱۳۸۶
- (۱۲) موسوی، سید رسول، اوضاع کنونی افغانستان و جایگاه ناتو، مرکز بررسی‌های استراتژیک، تهران، سال ۱۳۸۶
- 13) Moull, Hamms W. "The Future of NATO" , Cemtea for International Relation in Warsaw, September 2003
- 14) Willam T. R. Fox, a Middle Wester Isolationist
- 15) Internationalist, Lexington, Mass Lexington Books, 1989.
- 16) George F. kennan, "The Sources of Soviet Conduct", Foreign Affairs, Vol. 25, no. 4, july 1947.
- 17) Gearoid O'taattail, The Bush Administration and The End of The Cold War, Cambridge, Harvard Univercity, 1991.
- 18) Anthony Lake, How to Confrontation With New Thetas, Addressed in Harvard Univercity. 1994 October

- 19) Paul Gallas "NATO an Afghanistan, CRS Report for Gongress, October 2007
- 20) Statenent Assued by the Heads of State and Government, NATO Summit, Brussels, February 2005
- 21) Frances G. , "Transatlantic transformation, Atlantic Coucil of the United States , March 2006
- 22) Cohen-Tanugi, Laurent, An Alliance at Risk, 2003

